

## سیره امنیتی امیر المؤمنین امام علی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۸۵/۴/۷

تاریخ تأیید: ۸۵/۴/۲۶

حمیدرضا مطهری \*

یکی از اهداف هر حکومت، تأمین امنیت شهروندان است. نگاه به امنیت ملی از دیدگاه معصومان به ویژه آنها که حاکمیت جامعه را در دست داشته‌اند همانند امیر المؤمنین علی علیه السلام بسیار مهم و راه‌گشا خواهد بود. امنیت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام علی علیه السلام بوده است و در این راستا اقدامات امنیتی، نظامی و سیاسی مهمی را انجام داده‌اند. در این نوشتار اشاره‌ای به برخی از این اقدامات شده است.

واژه‌های کلیدی: امام علی علیه السلام، امنیت ملی، وحدت، سپاه، صلح.

### مقدمه

مهم‌ترین وظیفه هر نظام سیاسی ایجاد امنیت در ابعاد گوناگون برای شهروندان خود است. حفظ جان شهروندان که امروزه از آن با عنوان امنیت ملی یاد می‌شود، مهم‌ترین بُعد آن به شمار می‌رود. این واژه اگر چه در صدر اسلام به کار نمی‌رفته، اما اصل وجود آن همواره در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله صدر اسلام و در میان حاکمان مسلمان وجود داشته‌است. شناخت دیدگاه و روش معصومان علیهم السلام در این باره می‌تواند مانند دیگر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی برای ما مفید باشد. آن چه در این نوشتار بدان اشاره می‌شود چگونگی این مسئله از دیدگاه امام علی علیه السلام است. کسی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک‌ترین یار آن حضرت بوده و خود نیز دورانی هر چند کوتاه، ریاست جامعه اسلامی را برعهده داشته است.

\* حجة الاسلام مطهری عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۰۷



## مفهوم امنیت

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن و در امان بودن آمده است.<sup>۱</sup> اما در اصطلاح تعریف جامع و مانعی از امنیت ارائه نشده است.

آرنولد و لفرز در تعریف این واژه می‌گویند: امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی تلقی می‌شود.<sup>۲</sup>

جان مروز می‌گوید: امنیت عبارت است از آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک.<sup>۳</sup> تعریف دیگر برای امنیت این است که امنیت عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند.<sup>۴</sup>

از مجموع تعاریف فوق می‌توان چنین تعریفی را برای امنیت ارائه کرد: امنیت عبارت است از رهایی از ترس و اضطراب و اطمینان داشتن نسبت به حفظ ارزش‌ها.

امنیت به صورت «امنیت فردی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت اقتصادی»، «امنیت ملی» و ... کاربرد دارد که در این مقاله به امنیت ملی می‌پردازیم.

درباره مفهوم امنیت ملی نیز همانند خود امنیت و بسیاری دیگر از مفاهیم سیاسی و بلکه علوم انسانی و اجتماعی اتفاق نظری وجود ندارد. این واژه مرکب، اگر چه در نگاه نخست مفهومی شفاف دارد، اما با دقت در مفهوم آن علی‌رغم سادگی به نوعی پیچیدگی بر می‌خوریم که ناشی از تفسیر و تعبیرهای گوناگون از آن است. از امنیت ملی همانند دیگر مفاهیم علوم انسانی معانی متعددی ارائه شده است که برخی از آنها از این قرارند:

امنیت ملی، یعنی دستیابی به شرایطی که به کشوری امکان می‌دهد که از تهدیدهای بالقوه و یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد.<sup>۵</sup> دائرة المعارف علوم اجتماعی امنیت ملی را توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی بیان می‌کند.<sup>۶</sup>

در تعریف دیگر چنین آمده است: امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد.<sup>۷</sup>

هانس مورگنتا ضمن آن که منافع ملی را در قالب امنیت ملی توصیف می‌کند، در این باره می‌گوید: امنیت ملی باید به مثابه تمامیت ارضی و حفظ نهادهای هر کشور تلقی گردد.<sup>۸</sup>

اما مناسب‌ترین تعریف از منظر این مقاله را می‌توان چنین بیان نمود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی، یا به عبارت

دیگر امنیت ملی عبارت است از این که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ کنند.<sup>۹</sup> وجه مشترک تعاریف مذکور، حفاظت از هویت خود و در امان بودن از تهدیدات بالقوه و بالفعل است.

### امام علی (علیه السلام) و امنیت ملی

یکی از اهداف والای امام علی (علیه السلام) و آرمان‌های آن حضرت برقراری و گسترش امنیت در سرزمین‌های اسلامی بوده است و رشد و تعالی مردم را در سایه آن قابل تحقق می‌دانستند و اقدامات آن حضرت براساس نیاز روز و میزان اهمیت و با توجه به اوضاع و شرایط متفاوت بود.

### امنیت در سایه وحدت (وحدت نخستین نیاز جامعه)

از آن جا که وحدت از نیازهای اساسی جامعه بوده و می‌توان گفت امنیت جامعه در سایه آن تحقق پذیر است و اگر اتحاد اجتماع گسسته شود، امنیت نیز از میان می‌رود. امام علی (علیه السلام) نیز آن را مورد توجه قرار داده در گفتار و روش خود هم در دوران خانه‌نشینی و هم در زمان حکومت بدان اهتمام ورزیده و همواره در راه ایجاد وحدت در جامعه اسلامی تلاش می‌کردند.

هنگامی که خلافت از امام (علیه السلام) دور شد و دیگران بر مسند جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) تکیه زدند، افرادی بودند که امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت می‌کردند که برخی از روی دلسوزی و ایمان و برخی دیگر با مطامع سیاسی به دنبال تحریک امام بودند. ابوسفیان یکی از این افراد بود که حکومت ابوبکر را که از قبایل ضعیف قریش بود تحمل نکرده، امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت کرد. او که می‌خواست تحت عنوان حمایت از علی (علیه السلام) فتنه بر پا کند با این جواب امام روبه‌رو شد که فرمود: شُقُوا امواج الفتن بسفن النجاة وعرجوا عن طريق المنافرة و صَعُوا تيجان المفاخرة<sup>۱۰</sup> امواج دریای فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید. از راه خلاف و تفرقه دوری گزینید و نشانه‌های تفاخر بر یک‌دیگر را از سر بر زمین نهدید.

امام علی (علیه السلام) ضمن سخنانی با اشاره به توانایی خود در گرفتن حقش تنها دلیل اقدام نکردن برای گرفتن حق خود را جلوگیری از تفرقه مسلمین بیان کرده، می‌فرماید: به خدا سوگند اگر بیم تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان طور دیگر بود.<sup>۱۱</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید:



فَرَأَيْتَ إِنْ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكَ دِمَائِهِمْ؛<sup>۱۲</sup> دیدم صبر از تفرق کلمهٔ مسلمین در ریختن خون شان بهتر است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود امام علی علیه السلام در راه ایجاد وحدت مسلمین از حق خلافت خود نیز گذشتند و ۲۵ سال را در حالی به سختی سپری کردند که به فرمودهٔ آن حضرت «فصبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجاً»<sup>۱۳</sup> پس صبر کردم در حالی که چشمانم را خاشاک و غبار و گلویم را استخوان گرفته بود.

امام علی علیه السلام در دوران خلافت نیز حفظ وحدت را مهم‌تر از اقدامات نظامی دانسته و در برخورد با بیعت شکنان جمل و خوارج نهروان و سپاهیان شام و معاویه پیش از آن‌که اقدام به جنگ نماید، تمام تلاش خود را به کار بست تا از جنگ و خون‌ریزی میان مسلمانان جلوگیری شود و در همهٔ جنگ‌ها نیز پس از آن‌که مجبور به جنگ شد یارانش را فرمان داد که آغازگر جنگ نباشند. به هر حال از آنجا که وحدت یکی از نخستین فاکتورهای مهم برای ایجاد امنیت است، امام علی علیه السلام نیز همواره بر آن تأکید داشتند و این مهم در گفتار و روش آن حضرت، نمایان است.

### صلح و ثبات داخلی لازمهٔ امنیت ملی

یکی از فاکتورهای بسیار مهم که هر حکومت در راه تأمین امنیت خود بدان نیازمند است، رفع اختلافات داخلی است که با وجود آن تأمین امنیت با مشکل مواجه خواهد شد. اقدامات امام علی علیه السلام در این راستا و در برخورد با مخالفان بسیار مهم است. آن حضرت در همان آغاز خلافت با مشکلات فراوانی روبه‌رو شدند که مهم‌ترین آنها به وجود آمدن جنگ‌های داخلی بود. از یک طرف طلحه و زبیر، بیعت شکسته و گروهی از جمله عایشه را با خود همراه کرده بودند و از سوی دیگر معاویه با بهانه قرار دادن خون‌خواهی عثمان به مخالفت با امام علی علیه السلام پرداخته و از بیعت با آن حضرت خودداری کرده بود که سرانجام آن جنگ صفین و پیامد این جنگ نیز پیدایش گروهی متعصب به نام خوارج بود.

امام علی علیه السلام در رویارویی با این گروه‌های مخالف پیش از جنگ و مبارزه به مذاکره پرداخته و تلاش می‌کردند آنها را از تصمیم خود منصرف سازند.

نخستین گروه، پیمان شکنان بودند که پس از رسیدن به عراق و تسلط بر بصره بیت‌المال را غارت کرده پنجاه تن از نگهبانان بیت‌المال را کشته و عثمان بن حنیف، حاکم بصره را برخلاف پیمانی که داشته دستگیر و شکنجه و از بصره اخراج کردند.<sup>۱۴</sup>

امام علی علیه السلام پس از رسیدن به بصره با ارسال پیام‌های مکرر کوشید تا شورشیان را از

تصمیم‌شان منصرف کرده به جماعت بازگرداند، اما پاسخ مثبتی نشنید. آن حضرت صعصعة بن صوحان را همراه نامه‌ای به بصره فرستاد که دست خالی بازگشت و امام، عبدالله بن عباس را فرستاد که او نیز با پاسخ منفی شورشیان مواجه شد.<sup>۱۵</sup> علی‌رغم این رفتار اصحاب جمل، امام علی علیه السلام خود نیز به مذاکره مستقیم با طلحه و زبیر اقدام کرد و ضمن اشاره به وقایعی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را در تصمیم‌شان متزلزل کرد.<sup>۱۶</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام در برخورد با معاویه نیز پیش از جنگ از طریق مذاکره و نامه‌نگاری، سعی در جلوگیری از جنگ داشت. امام علیه السلام در نامه‌ای به معاویه ضمن اشاره به بیعت مردم مدینه با آن حضرت این بیعت را برای معاویه نیز لازم‌الاتباع دانسته فرمودند:

همانا بیعتی که مردم در مدینه با من کرده‌اند برای تو نیز که در شام هستی الزامی است، زیرا همان کسانی که با ابو بکر و عمرو عثمان بیعت کرده بودند با من نیز بیعت کردند. از این رو هیچ فرد حاضر را چاره‌ای نیست جز آن‌که بیعت کند و هیچ غایب را راهی نیست جز آن‌که آن را بپذیرد.<sup>۱۷</sup>

امام نامه‌هایی دیگر نیز به معاویه نوشتند که با تسلیم نشدن معاویه جنگ حتمی شد و امام علیه السلام در بحبوحه جنگ نیز تلاش کردند آتش جنگ را خاموش کنند. در این راستا یکی از سپاهیان‌ش را همراه قرآن به سوی سپاه شام فرستاد تا آنان را به حکمیت قرآن دعوت کند، اما سپاه شام او را به شهادت رساندند.<sup>۱۸</sup> امام حتی پیشنهاد مبارزه مستقیم و تن به تن به معاویه دادند تا هر کدام پیروز شدند حکومت از آن او باشد و بدین وسیله وحدت مسلمانان حفظ شده و از جنگ و خونریزی جلوگیری شود.<sup>۱۹</sup>

اگر چه پیشنهادات امام مورد پذیرش معاویه قرار نگرفت، اما نشان دهنده تلاش امام علی علیه السلام برای ایجاد وحدت و جلوگیری از جنگ بود.

جنگ صفین و پیشنهاد حکمیت که از سوی معاویه مطرح شد باعث ظهور و پیدایش فرقه‌ای جدید در میان مسلمانان به نام خوارج گردید که اینان نیز مشکلات فراوانی برای امام و شیعیان ایجاد کرده و سرانجام به رویارویی با امام برخاستند. امیرالمؤمنین علیه السلام با آن‌که می‌دانست آنها از مسیر حق منحرف شده‌اند، اما با فرستادن افراد مختلف برای مذاکره با آنها و حتی صحبت مستقیم و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات آنها تلاش کرد آنها را به صفوف مسلمانان بازگرداند و با همین اقدامات عده زیادی از آنها از سپاه خوارج جدا شدند و سرانجام تنها افراد متعصب و کج‌اندیش باقی مانده، با امام وارد جنگ شدند.<sup>۲۰</sup>

۱۱۱ آن حضرت هم‌چنان‌که خود خواهان صلح بودند کارگزاران خود را نیز بدان توجه داده و توصیه



می‌کردند. چنان‌که در نامه خود به مالک می‌فرماید: «و لا تَدْفَعَنَّ صِلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوكَ، اللَّهُ فِيهِ رِضَىٰ فَإِنَّ فِي الصِّلْحِ دَعَاً لْجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمناً لِّبِلَادِكَ»<sup>۲۱</sup>؛ صلح و آشتی که رضای خدا در آن است و دشمنت تو را به آن خوانده رد مکن، زیرا در آشتی، راحت لشکریان و آسایش از اندوه‌ها و آسودگی برای اهل شهرهایت هست.

البته امام علی علیه السلام شرایطی را برای این صلح در نظر گرفته است و می‌فرماید این صلح باید به نحوی باشد که رضای خدا در آن باشد، یعنی عزت مسلمین در آن حفظ شود. در ادامه به نیرنگ احتمالی دشمنان نیز اشاره کرده و می‌فرماید: بعد از صلح به شدت مراقب دشمن باش، زیرا ممکن است دشمن خود را به تو نزدیک کند تا تو را غافل‌گیر نماید، پس احتیاط را پیشه کن.

### اقدامات سیاسی، امنیتی و نظامی امام در راه تأمین امنیت

امام علی علیه السلام علاوه بر موارد ذکر شده اقدامات متعددی نیز در راه ایجاد و گسترش امنیت در سرزمین‌های تحت قلمرو خود انجام دادند که برخی از آنها سیاسی و برخی امنیتی و بعضی تاکتیک‌های نظامی بودند.

#### الف) اقدامات سیاسی

در این رابطه اقدامات متعددی در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام گرفت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تغییر پایتخت و مرکز حکومت از مدینه (حجاز) به کوفه (عراق) و به کارگیری روش‌های دیپلماتیک و مذاکره و نامه‌نگاری با طرف‌های متخاصم اشاره کرد.

۱. انتخاب کوفه به عنوان پایتخت: یکی از اقدامات امام در اوایل خلافت، انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه بود. اگر نگاهی به وضعیت جامعه مسلمانان آن زمان افکنده و وضعیت جغرافیایی و انسانی و اقتصادی عراق به‌ویژه کوفه را در نظر بگیریم، بهتر می‌توانیم به علت این اقدام دست یابیم. کوفه از جهت اقتصادی، جغرافیایی و نیروی انسانی بر حجاز برتری داشت. از نظر جغرافیایی عراق حالت مرکزی برای سرزمین‌های اسلامی داشت و بهتر و زودتر می‌توانست به مقابله خطرات احتمالی که از نواحی مختلف متوجه سرزمین‌های اسلامی می‌شد، بشتابد، در حالی که مدینه از چنین موقعیتی برخوردار نبود.

از جهت اقتصادی نیز وضعیت اقتصادی عراق با حجاز قابل مقایسه نبود. حجاز سرزمینی خشک و بی‌آب و از جهت کشاورزی فقیر بود، در حالی که منطقه عراق سرزمینی پر نعمت و سرسبز بود و همین سرسبزی آن که از دور به سیاهی می‌زد باعث نام‌گذاری آن به منطقه سواد شده بود.

از جهت نیروی انسانی هم علاوه بر آن‌که منطقه عراق جمعیت بسیار بیشتری نسبت به حجاز

داشت، دوستداران و شیعیان امام علی علیه السلام در آن جا به ویژه در کوفه فراوان بودند در حالی که حجاز برعکس عراق اولاً، جمعیت بسیار کمتری داشت؛ ثانیاً، بسیاری از کسانی که پدران آنها در جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بامشركان به دست امام علی علیه السلام کشته شده بودند در مدینه بودند و آنها کینه شدیدی نسبت به آن حضرت در دل داشتند.

امیرالمؤمنین در رابطه با علت انتخاب کوفه و در جواب عده‌ای از اشراف انصار که از آن حضرت خواستند همانند خلفای پیشین در مدینه بماند فرمود:

اموال و مردان در عراقند و مردم شام در حال شورش، دوست می‌دارم نزدیک آنان باشم و دستور حرکت داد و خود حرکت فرمود و مردم هم با او حرکت کردند.<sup>۲۲</sup>

۲. مذاکره و نامه‌نگاری: امام علی علیه السلام در دوران خلافت همواره بر جلوگیری از جنگ و خونریزی تأکید می‌کردند و در مقابل دشمنان، نخست به مذاکره و نامه‌نگاری و استفاده از روش‌های دیپلماتیک توجه داشته و تلاش می‌کردند اختلافات را بدون درگیری و جنگ خاتمه داده و رقیبان و دشمنان را با استدلال و برهان متقاعد کنند. رفتار آن حضرت پیش از جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین که بدان اشاره شد گویای این مدعاست.

#### ب) اقدامات امنیتی

یکی دیگر از روش‌های امام علی علیه السلام در راه تأمین امنیت جامعه اسلامی به کارگیری روش‌های امنیت بود. کسب خبر به وسیله نیروهای مخفی در میان دشمنان، و نظارت پنهان بر ارتباطات کارگزاران خود به منظور جلوگیری از فریب خوردن آنها توسط دشمن و نیز حفظ اسرار نظامی از جمله این روش‌ها بود.

۱. خبرگیری از دشمن: یکی از مهم‌ترین اقدامات اطلاعاتی و امنیتی برای مقابله با دشمنان، آگاه بودن از اقدامات و امکانات آنان است. در زمان خلافت امام علی علیه السلام همواره افرادی از طرف آن حضرت به صورت مخفیانه برای خبرگیری از دشمن به نقاط مختلف فرستاده می‌شدند که اخبار دشمن و تصمیمات آنها را برای امام گزارش می‌کردند، این گزارش‌ها باعث می‌شد تا آن حضرت به شکل مناسب با دشمنان مقابله کند. چنان‌که گفته شده معاویه قصد داشت افرادی را به عنوان زائر خانه خدا به حج اعزام کند که در واقع هدف آنها تبلیغ برای معاویه و نیز مقصّر جلوه دادن امام در قتل عثمان بود. نیروهای اطلاعاتی این خبر را به امام گزارش کرده و امام نیز در نامه‌ای به قثم بن عباس والی مکه چنین نوشتند:

اما بعد فان عینی بالمغرب کتب الی یعلمنی انه وُجِّهَ الی الموسم اناس من اهل الشام العمی القلوب، الصم الاسماع، الکلمه الابصار الذین یلتمسون الحقّ بالباطل و یطیعون المخلوق فی



معصية الخالق ... فاقم على ما فى يدك قيام الحازم الصليب ... و اياك و ما يُعْتَدَّرُ منه<sup>۲۳</sup>؛ جاسوس من در مغرب (شام) در نامه‌ای به من اطلاع داده که مردمی از اهل شام با دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و دیده‌های کور مادر زاد گسیل شده‌اند، کسانی که حق را از راه باطل می‌جویند و در معصیت آفریننده و نافرمانی خدا از مخلوق پیروی می‌کنند ... پس به آن چه در دست توست (حکومت مکه و حفظ امنیت آن) پایداری کن ... و مبادا کاری کنی که به عذر خواهی بییافتی.

۲. نظارت بر کارگزاران: یکی از تهدیدهای خطرناک برای هر حکومت، ارتباط دشمن با کارگزاران آن حکومت است. رفع این تهدید، نظارت مستمر و حتی پنهانی بر رفت و آمد و ارتباطات والیان را طلب می‌کند. در این راستا امام علی علیه السلام به وسیله نیروهای اطلاعاتی خود ارتباطات احتمالی دشمن با برخی کارگزاران خود را نیز زیر نظر داشته و در موارد ضروری آنها را از خطراتی که در کمین‌شان بود آگاه کرده و به آنها هشدار می‌دادند. چنان‌که معاویه نامه‌ای به زیاد بن ابیه نوشته و او را به سوی خود فراخوانده بود و برای تحریک و ترغیب او قضیه انتساب او به ابوسفیان را نیز مطرح کرده بود، امام علی علیه السلام که از طریق مأموران مخفی خود از جریان آگاه شده بود در نامه‌ای به زیاد این نکته را متذکر شده و او را نسبت به خطری که از جانب معاویه او را تهدید می‌کرد هشدار داده و چنین نوشتند:

و قد عرفت أنّ معاویه کتب إليك يستزلُّ لُبَّكَ وَيَسْتَفِيلُ عَرَبِكَ، فاحذره فإثما هو الشيطان، يأتي المرء من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله ليقتجم غفلته ويستلب غرته<sup>۲۴</sup>؛ آگاهی یافتم که معاویه نامه‌ای به تو نوشته، می‌خواهد دلت را بلغزاند و می‌خواهد در زیرکی تو رخنه کند، پس از او بر حذر باش، زیرا او شیطانی است که از پس و پیش و راست و چپ شخص می‌آید تا ناگهان در هنگام غفلت عقل او را بر باید.

نظارت مخفی امام علی علیه السلام بر کارگزاران خود در موارد دیگری نیز گزارش شده است. برای نمونه می‌توان به نامه آن حضرت به مصقلة بن هبیره شیبانی حاکم اردشیر خوره از جانب امام و نیز عثمان بن حنیف انصاری حاکم بصره از طرف حضرت اشاره کرد.<sup>۲۵</sup>

۳. حفظ اسرار نظامی: برخی از اطلاعات و امکانات هر کشور به ویژه امور نظامی آن در هر مقطع زمانی چه جنگ و چه صلح باید از دید عموم حتی ساکنان و کارگزاران آن کشور مخفی بوده و تنها در موقع لزوم از آن آگاه شوند. اهمیت اسرار نظامی به اندازه‌ای است که سربازان و نیروهای نظامی نیز تا زمان اجرا نباید از آن آگاه شوند تا مبادا دشمن از طریق جاسوسان و نیروهای مخفی خود از آن آگاه شده و در صدد ضربه به آن برآمده و یا به تدارک قوا و آمادگی نیروهایش بپردازد. امام علی علیه السلام نیز به این نکته توجه داشته و در نامه‌ای خطاب به مرزداران و نیروهای مسلح خود ضمن اشاره به برخی از



حقوق آنان بر حاکم می فرماید:

الا وان لكم عندي ان لا أختجِرَ دونكم سرّاً الا في حرب...<sup>۲۶</sup> بدانید که حق شما بر من این است که هیچ رازی جز اسرار نظامی را از شما پوشیده ندارم.

دو نکته بسیار مهم در این کلام امام علیه السلام وجود دارد: نخست آن که اسرار مربوط به جنگ به دلیل رعایت اصل غافل گیری باید در سطح فرماندهی کلان باقی بماند و نیروهای عمل کننده تا زمان اجرای عملیات از آن مطلع نباشند تا مبدا دشمن از اخبار و اسرار آگاه شده و به تدارک قوا پردازد و دیگر آن که امیرالمؤمنین علیه السلام اهمیت فراوانی به مرزداران داده است که می فرماید حق شما این است که هیچ چیز را از شما پنهان نکنم.

### ج) اقدامات نظامی

سیره حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام بر این اساس استوار بود که بدون جنگ و خونریزی امنیت جامعه برقرار گردد، اما این بدان معنا نبود که آن حضرت توجهی به اقدامات دفاعی نداشته باشد، بلکه براساس دستور صریح قرآن و اعدوالمهم ما استطعتم من قوة...<sup>۲۷</sup> امام علی علیه السلام نیز توجه خاصی به نیروهای نظامی داشته و آنها را حافظ مردم و زینت و آراستگی حکمرانان دانسته فرمودند:

فالجنود باذن الله حصون الرعية و زين الولاية و عز الدين و سبل الامن و ليس تقوم الرعية الا بهم؛<sup>۲۸</sup> پس سپاهیان به فرمان خدا برای رعیت مانند دژها و قلعه‌ها (که آنها را از شر دشمنان آسوده می‌دارند) و زینت و آراستگی حکمرانان و ارجمندی دین و راه‌های امن و آسایش هستند و رعیت بر پا نمی‌ماند مگر با بودن ایشان.

آن حضرت در جای دیگر خطاب به قیس بن سعد هنگامی که او را به حکومت مصر اعزام می‌کرد فرمود:

به همراه سپاهی به مصر برو، زیرا داشتن سپاهی جنگ‌جو و آماده برای دشمن ترساننده‌تر و برای دوستان عزت آورتر است.<sup>۲۹</sup> چنان‌که ملاحظه می‌شود امام علی علیه السلام آمادگی دفاعی لازم و وجود نیروهای مقتدر را باعث آرامش مردم و آسودگی حاکمان و ترس دشمنان می‌داند.

۱. اقدام پیش گیرانه: یکی از نکات بسیار مهم در برخورد با دشمن این است که باید فرصت حمله را از وی گرفته و او را در موضع دفاعی قرار داد. امام علی علیه السلام نیز به این نکته توجه داشته و همواره تأکید می‌کردند که قبل از حمله دشمن باید در مقابل او آماده شد و قبل از آن که در خانه، غافل گیر دشمن شوند اقدام به مقابله کرد.

زمانی که طلحه و زبیر و دیگران بیعت شکنی کردند و به سمت عراق رفتند، برخی اصحاب امام از آن حضرت خواستند تا از تعقیب آنان خودداری کند، اما امام ضمن رد این درخواست فرمود:



والله لا اكون كالضبيع تنام على طول اللدم حتى يصل اليها طالبها و يختلها را صدها و لكنى  
اضرب بالمقبيل الى الحق المدبر عنه و بالسامع المطيع العاصى المريب ابدأ حتى يأتى على  
يومي؛<sup>۳۰</sup> سوگند به خدا من مانند کفتار خوابیده نیستم تا صیاد به او رسیده و او را در دام  
اندازد، بلکه همراه کسی که به حق رو آورد و شنوا و فرمانبردار است، بر گنه کاری که از حق رو  
گردانیده شک و تردید در آن دارد شمشیر می‌زنم و می‌جنگم تا زنده هستم.

در جای دیگر نیز ضمن سرزنش کوفیان و یاران خود و اشاره به تقاضاهای مکرر خود از آنان  
مبنی بر آماده شدن برای جنگ با دشمنان، به این نکته اشاره می‌کند که اگر جنگ به میان دیار  
کسانی کشیده شود باعث ذلت و خواری آنها خواهد شد، یعنی اگر کسانی در جنگ و جهاد سستی کنند  
تا دشمن وارد دیار آنها شود، آنها شکست خورده و خوار می‌شوند. در خطبه ۲۷ نهج البلاغه به این  
نکته اشاره کرده می‌فرماید:

الا و انى قد دعوتكم الى قتال هؤلاء القوم ليلاً و نهاراً و سرأ و اعلاناً و قلت لكم اغزوهم قبل  
ان يغزوكم فوالله ما غرئ قوم قط فى عقردارهم الا ذلوا؛<sup>۳۱</sup> آگاه باشید من شما را به جنگیدن  
(با معاویه) شب و روز، نهان و آشکار دعوت کردم و گفتم پیش از آن که آنها به جنگ شما  
بیایند شما به جنگشان بروید. سوگند به خدا هرگز با قومی در میان خانه (دیار) ایشان جنگ  
نشده مگر آنکه ذلیل و مغلوب گشته‌اند.

بنابراین، این اصل مهم باید مورد توجه قرار گیرد که همواره باید فرصت حمله را از دشمن گرفت.  
۲. گزینش سپاهیان: امام علی عليه السلام علاوه بر اهتمام ویژه به وجود سپاهیان و سربازان، رسیدگی به  
وضعیت آنها و نیز انتخاب فرماندهان شایسته و مهربان نسبت به سربازان را نیز مورد توجه قرار  
می‌دادند، چنان که در نامه خود خطاب به مالک اشتر فرماید:

فرمانده سپاهت را کسی قرار ده که برای خدا و رسول او و برای امام و پیشوایت پندپذیرتر،  
پاک دل تر و خردمندتر و برد بارترین آنها باشد از کسانی که دیر به خشم می‌آید و زود عذر  
پذیرند و به زیر دستان مهربان بوده و به زورمندان سخت‌گیری و گردن فرازی نمایند و از  
آن که درشتی او را از جای نکند و نرمی او را نشانند.<sup>۳۲</sup>

امیرالمؤمنین علی عليه السلام در جای دیگر در ادامه همان نامه می‌فرماید باید برگزیده‌ترین سران  
سپاهت (فرمانده) کسی باشد که با لشکر در همراهی (مال و دارایی) مؤاسات کند و از توانایی خود به  
آنها احسان نماید به اندازه‌ای که ایشان و خانواده‌هایشان در آسایش باشند تا در جنگ با دشمن  
یک دل و یک اندیشه گردند.<sup>۳۳</sup>

امام علی عليه السلام در این فراز از نامه به دغدغه معیشتی سپاهیان توجه کرده و به مالک دستور می‌دهد

کسی را به فرماندهی سپاه بگمارد که این نکته را مدّ نظر داشته باشد، زیرا آرامش فکری آنها و این که از جهت تأمین معیشت مشکلی نداشته باشند، باعث می شود با آرامش خیال در جنگ علیه دشمن شرکت کنند و علاوه بر این مهربانی فرمانده سپاه به زیردستانش باعث می شود تا دل های آنها متوجه او شده و در هنگام سختی او را تنها نگذارند.

۳. تاکتیک های نظامی در جنگ ها: امام علی (ع) نه تنها به تهیه و تدارک سپاه همت گمارده و آن را پایه و اساس امنیت و زینت والیان و حاکمان می دانستند و در انتخاب فرماندهان و سپاهیان دقت و ظرافت های خاصی را مورد توجه قرار می دادند، بلکه در اتخاذ شیوه های تاکتیکی جنگی نیز آنها را راهنمایی می کردند. ایشان در همین رابطه خطاب به لشکریان خود فرمودند:

هر گاه با دشمن رویارو شدید لشکرگاه خود را در جاهای بلندی یا دامنه کوه ها و یا کنار رودخانه قرار دهید تا برای شما کمک راه و مانع آنان (دشمنان) شود و جبهه جنگ (عرصه کارزار) را از یک یا دو سو [جهت] قرار دهید،<sup>۳۴</sup> زیرا لازمه جنگیدن از چند طرف پراکندگی و ضعف و شکست است. امام علی (ع) تنها به پیشروی و ایستادگی کامل در مقابل دشمن تأکید نکرده و در مواقع اضطراری عقب نشینی را نیز نظر داشته و آن را مقدمه پیروزی می دانستند، چنان که در یکی از نامه های خود به سپاهیانش می فرماید:

گریزی را که در پی آن بازگشت و شکستی که بعد از آن هجوم و حمله به دشمن است بر شما ناگوار نباشد. یعنی اگر موقعیت جنگی شما را در وضعیتی قرار داد که مجبور به عقب نشینی شوید آن را ننگ ندانید، زیرا شاید مصلحت درگریز باشد تا دشمنان به طمع تعقیب شما از سنگرها بیرون آمده، آن گاه به آنها حمله ور شده آنان را شکست دهید یا آن که این گریز و شکست شما باعث شود تا علت آن را یافته و با جبران آن به جنگ با دشمن برگردید.<sup>۳۵</sup> امام علی (ع) آرایش و جاگیری (موضع گیری) نیروهای مختلف سپاه را نیز مورد توجه قرار داده و معقل بن قیس ریاحی یکی از فرماندهان خود که او را به شام اعزام می کرد، ضمن اشاره و توجه دادن به زمان و چگونگی حرکت و رفتار با مردم می فرماید:

فاذا لقيت العدو فقف من اصحابك وسطاً ولا تدن من القوم دُنُوْ مَنْ يُّرِيدُ أَنْ يُّثْسِبَ الحَرْبَ؛ هنگامی که با دشمن روبه رو شدی میانه لشکر خود بایست و به دشمنان نزدیک مشو مانند نزدیک شدن کسی که می خواهد جنگ برپا کند. و از آنان دور مشو هم چون دور شدن کسی که از جنگ می ترسد تا فرمان من به تو رسد.<sup>۳۶</sup>

امام علی (ع) خبرگیری از دشمن را نیز مورد توجه قرار داده و آن را بسیار مهم می دانستند، چنان که به سپاهیان خود فرمود:

واجعلوا لكم رُقَبَاءَ فِي صِيَاصِي الْجِبَالِ، وَ مَنَاقِبِ الْهَضَابِ لئَلَّا يَأْتِيَكُمْ الْعَدُوُّ مِنْ مَكَانٍ مَخَافَةٍ



وأمن. واعلموا ان مقدمة القوم عيونهم و عيون المقدمة طلائئهم؛<sup>۳۷</sup> برای خودتان در بلندی کوه‌ها ولای تپه‌ها پاسبان و دیده‌بان بگذارید تا دشمن به طرف شما نیاید از جایی که می‌ترسید یا از جایی که ایمن هستید و فکر می‌کنید از آن جا نمی‌آید و ممکن است ناگهان از آن جا بیاید.

۴. توجه به امنیت داخلی پیش از جنگ: نکته دیگری که امام علی علیه السلام بدان توجه داشتند، آن‌که پشت سر باید محفوظ بماند و هنگام رویارویی با دشمنان، سرزمین‌های داخلی باید در امنیت باشند تا سربازان بدون نگرانی و با آرامش خیال به جنگ با دشمنان بپردازند. زمانی که امام برای بار دوم، آماده رفتن به جنگ با معاویه بود با مشکل خوارج روبه‌رو گردید؛ آنها که با برداشت خشک و متعصبانه دینی خود در برابر امام ایستاده بودند، خطری جدی برای مسلمانان و خانواده‌های آنها به وجود می‌آوردند به طوری که حتی زنان و کودکان نیز از جانب آنها در امان نبودند، چنان‌که عبدالله بن خباب بن ارت را به دلیل همراهی با امام کشتند و همسر او را نیز که باردار بود شکم دریدند.<sup>۳۸</sup> وجود خوارج باعث نگرانی سپاهیان و خانواده آنها شده بود و رفتن به جنگ معاویه در حالی که چنین خطری مرکز حکومت علوی را تهدید می‌کرد، بسیار خطرناک بود. بنابراین لازم بود که ابتدا این خطر برطرف گردد و امام علی علیه السلام نیز سپاهیان خود را که به قصد رفتن به شام و جنگ با معاویه گرد آمده بودند به سوی خوارج راهنمایی کرد و آنها را از میان برد<sup>۳۹</sup> تا بعد از آن به سوی معاویه رود، اگر چه بعد از جنگ خوارج دیگر سپاه امام علی علیه السلام آمادگی جنگ پیدا نکرد، اما نکته مهم آن بود که خطر خوارج دفع گردید.

### نتیجه‌گیری

از آن‌چه گفته شد در می‌یابیم که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران مختلف زندگی پربار خود به ویژه در زمان خلافت و تصدی حاکمیت جامعه اسلامی نسبت به امنیت و آرامش شهروندان اهتمام فراوان داشته‌اند که سخنان و روش آن حضرت گویای این مدعاست.

امام علی علیه السلام در دوران خانه‌نشینی و در حالی که حق او غصب شده بود وحدت مسلمین و حفظ اساس اسلام را بر حق خود ترجیح دادند و در دوران خلافت نیز تمام توان خود را برای تأمین صلح و امنیت جامعه اسلامی به کار گرفتند. و در این راستا از همه راه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی بهره بردند. البته اقدام نظامی و درگیری همواره آخرین گزینه آن حضرت بود.

اقدامات امام علی علیه السلام و دستورات ایشان به کارگزاران خود در این باره همانند دیگر جنبه‌های زندگی آن حضرت، راه‌گشا و الگوی مناسبی برای تمام انسان‌هاست.

## پی‌نوشت‌ها

۱. علی اکبر دهخدا، *لغت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۸۹۴، واژه امنیت.
۲. محمد ترابی، ساختار نظام بین‌المللی و امنیت ملی با تأکید بر جهان سوم، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۸۰ به نقل از جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، ص ۱۱.
۳. مهرداد میرعرب، نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت، ترجمه سیدعبدالقیوم سجادی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۹، ص ۱۳۷.
۴. همان، ص ۱۳۳.
۵. محمد ترابی، پیشین، ص ۱۸۰، ص ۶، به نقل از احمد نقیب‌زاده، *نظریه‌های کلان در روابط بین‌المللی*، ص ۹۲.
۶. همان، ص ۱۷۹، به نقل از محمد نصیری، مفهوم امنیت ملی، *فصلنامه خاورمیانه*، ش ۱، ص ۶۹.
۷. داریوش آشوری، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ و اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، (تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۳، چاپ دهم)، ص ۳۹؛ غلامرضا علی‌بابایی، *فرهنگ سیاسی*، (تهران، انتشارات آشیان ۱۳۸۲، چاپ اول)، ص ۱۰۵.
۸. سایمون دالبی، *اطلاعات، منافع ملی و محیط زیست جهانی*، مجموعه مقالات اطلاعاتی، امنیتی، (دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷) ج ۳، ص ۱۷۱ به نقل از هانس جی مورگنتا، *سیاست میان ملت‌ها نبرد برای دستیابی به قدرت و آرامش*، نیویورک، ۱۹۸۴م، ص ۴۴۰.
۹. رضا عیسی‌نیا، فقها و مسأله امنیت ملی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۹هـ.ش، ص ۱۹۹، به نقل از گزیده مقالات سیاسی، امنیتی، ج ۲، ص ۱۰۳.
۱۰. *نهج البلاغه*، فیض الاسلام، خطبه ۵، ص ۵۷.
۱۱. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، (داراحیاء التراث العربی ۱۳۸۵هـ / ۱۹۶۵م، چاپ دوم)، ج ۱، ص ۳۰۷.
۱۲. همان، ص ۳۰۸.
۱۳. *نهج البلاغه*، خطبه ۳، ص ۴۶.
۱۴. ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر* (بیروت، مؤسسة الاعلی، للمطبوعات، ۱۹۹۱/۱۴۱۱م) ج ۲، ص ۳۷۵ و ابن ابی الحدید، همان، ج ۹، ص ۳۲۱.
۱۵. ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، *نبرد جمل*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، (تهران،

- نشرنی، ۱۳۶۷، چاپ اول، ص ۱۸۸-۱۹۲.
۱۶. ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، *اخبار الطول*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، (تهران، نشر نی، ۱۳۷۱، چاپ چهارم)، ص ۱۸۴؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۳۸۰-۳۸۲.
۱۷. *نهج البلاغه*، نامه ۶، ص ۸۴۰؛ نصر بن مزاحم منقری، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، (بیروت، المؤسسة العربية الحديثة، چاپ دوم)، ص ۲۹؛ ابوحنیفه دینوری، همان، ص ۱۹۴.
۱۸. نصر بن مزاحم منقری، همان، ص ۲۴۴.
۱۹. ابوحنیفه دینوری، همان، ص ۲۱۸.
۲۰. ابن ابی الحدید، همان، ج ۲، ص ۲۹؛ ابوحنیفه دینوری، همان، ص ۲۵۶.
۲۱. *نهج البلاغه*، نامه ۵۳، ص ۱۰۲۷.
۲۲. ابوحنیفه دینوری، همان، ص ۱۸۰.
۲۳. *نهج البلاغه*، نامه ۳۳، ص ۹۴۲.
۲۴. همان، نامه ۴۴، ص ۹۶۳.
۲۵. همان، نامه‌های ۴۳، ص ۹۶۱ و ۴۵، ص ۹۶۵.
۲۶. همان، نامه ۵۰، ص ۹۸۳.
۲۷. انفال (۸)، آیه ۶۰.
۲۸. *نهج البلاغه*، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۳.
۲۹. محمد بن جریر طبری، *تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)*، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۵۴۹؛ مجلسی، *بحار الانوار*، داراحیاء العربی، بیروت، ج ۳۳، ص ۵۳۴.
۳۰. *نهج البلاغه*، خطبه ۶، ص ۵۸.
۳۱. همان، خطبه ۲۷، ص ۹۴.
۳۲. همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۵.
۳۳. همان، ص ۱۰۰۶.
۳۴. همان، نامه ۱۱، ص ۸۵۴.
۳۵. همان، نامه ۱۶، ص ۸۶۳.
۳۶. همان، نامه ۱۲، ص ۸۵۶.
۳۷. همان، نامه ۱۱، ص ۸۵۴.
۳۸. ابوحنیفه دینوری، همان، ص ۲۵۲.
۳۹. همان، ص ۲۵۶؛ ابن ابی الحدید، همان، ج ۲، ص ۲۹.

